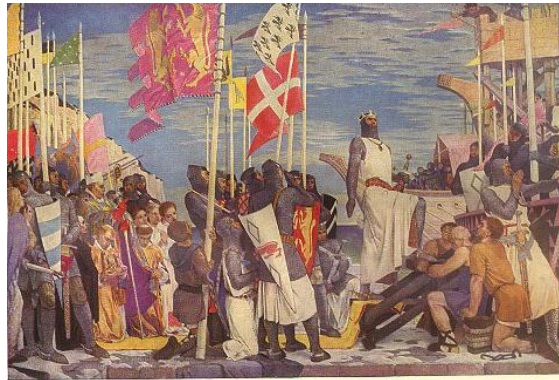




آثار باستانی و ارزش های تاریخی جنگ های صلیبی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲ خرداد ۱۳۹۲ - ۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

قسمت اول (برای دیدن قسمت دوم اینجا کلیک کنید) جنگ های صلیبی-Crusades جنگ های صلیبی به سلسله ای از جنگ های مذهبی گفته می شود که به دعوت پاپ توسط شاهان و نجای اروپایی داوطلب برای بازپس گیری سرزمین های مقدس از دست مسلمانان برافروخته شد. صلیبیون از جای جای اروپای غربی در جنگ هایی مجزا بین سال های ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ شرکت داشتند. جنگ های مشابهی نیز در شبه جزیره ایبری و شرق اروپا تا قرن ۱۵ میلادی برپا بود. مبارزان صلیبی یا به اختصار صلیبیون مسیحیان کاتولیکی بودند که بر علیه مسلمانان و مسیحیان ارتدوکس در قلمر

قسمت اول (برای دیدن قسمت دوم اینجا کلیک کنید)



جنگ های صلیبی- Crusades

جنگ های صلیبی به سلسله ای از جنگ های مذهبی گفته می شود که به دعوت پاپ توسط شاهان و نجای اروپایی داوطلب برای بازپس گیری سرزمین های مقدس از دست مسلمانان برافروخته شد. صلیبیون از جای جای اروپای غربی در جنگ هایی مجزا بین سال های ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ شرکت داشتند.

جنگ های مشابهی نیز در شبه جزیره ایبری و شرق اروپا تا قرن ۱۵ میلادی برپا بود. مبارزان صلیبی یا به اختصار صلیبیون مسیحیان کاتولیکی بودند که بر علیه مسلمانان و مسیحیان ارتدوکس در قلمرو روم شرقی و در ابعاد کوچکتر با اسلاوهای و بالتهای پگان، مغولها، و خوارج مسیحی جنگیدند[۱]؛ گرچه در بازه هایی مسیحیان ارتدوکس با آنها متحد شده، بر علیه مسلمانان می جنگیدند. صلیبیون توسط پاپ مورد تکریم قرار گرفته و آمرزیده می شدند.

صلیبیون در ابتدا با هدف بازپس گیری اورشلیم و سرزمین های مقدس از دست مسلمانان شروع به جنگ کردند و مبارزات آنها در حقیقت پاسخی بود به درخواست رهبران امپراتوری روم شرقی برای جلوگیری از پیشروی ترکان سلجوقی در آناتولی. همچنین، عبارت جنگ های صلیبی برای توصیف مبارزاتی همزمان و پس از آن در قرن ۱۶ به کار می رود که در خارج از شام به دلایل مختلف مذهبی، اقتصادی و سیاسی معمولاً بر علیه پگانها و خوارج مسیحی و افراد تکفیر شده انجام شد. رقابت ها بین مراکز قدرت مسیحی و مسلمان گهگاه منجر به اتحاد بین جناح های مذهبی در برابر مخالفان خود شد، مانند اتحاد مسیحیان با سلجوقیان روم در جنگ صلیبی اول.



جنگ های صلیبی-Crusades

ادامه نوشتار و دیگر عکسها در ادامه نوشتار

صلیبیون در ابتدا موفقیت‌های موقتی داشتند، اما سرانجام از سرزمین‌های مقدس بیرون رانده شدند. بااینحال جنگ‌های صلیبی تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مهمی بر اروپا گذاشت. به‌خاطر درگیری‌های درونی بین شاهان و مراکز قدرت مسیحی برخی از جنگ‌های صلیبی از هدف اولیه‌شان منحرف شدند، مانند جنگ صلیبی چهارم که به غارت قسطنطنیه مسیحی و تقسیم امپراتوری بیزانس بین جمهوری ونیز و صلیبیون انجامید. جنگ صلیبی ششم اولین جنگی بود که بدون دعای و اجازه رسمی پاپ آغاز شد. جنگ‌های هفتم، هشتم و نهم به پیروزی مملوک‌ها و حفصیان انجامید و جنگ نهم پایان‌بخش جنگ‌های صلیبی در خاورمیانه بود.

اوضاع خاورمیانه

براساس عقیده مسیحیان، سرزمین‌های مقدس از این نظر که مکان تولد، زندگی، به صلیب‌کشیده شدن، و عروج عیسی مسیح به سوی خدا است اهمیت فراوانی برای آنان دارد. پس از رسمی‌شدن مسیحیت در امپراتوری روم توسط کنستانتین یکم در سال ۳۱۳ و تقسیم امپراتوری و تشکیل امپراتوری روم شرقی، سرزمین‌های مقدس به طور غالب مسیحی شدند. کلیساهای متعددی در جاهای مهم این سرزمین ساخته شدند و یادواره‌هایی برای وقایع زندگی عیسی مسیح برگزار می‌کردند. در باور مسلمانان بیت‌المقدس از این جهت که مکان معراج پیامبر اسلام است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سومین مکان متبرک، پس از مکه و مدینه، به شمار می‌رود. حضور مسلمانان در سرزمین‌های مقدس از قرن هفتم با فتح شام در زمان ابوبکر و عمر آغاز شد. موفقیت‌های مسلمانان، بویژه حملات ترکان سلجوقی، فشارها را بر امپراتوری روم شرقی و کلیسای ارتدکس شرقی که ادعای حاکمیت بر این سرزمین را داشت افزایش می‌داد. بیت‌المقدس برای یهودیان به خاطر آنکه دیوار ندبه را در خود جای داده از اهمیت تاریخی و مذهبی خاصی برخوردار است. دیوار ندبه در باور یهودیان آخرین بازمانده معبد دوم است و یهودیان بیت‌المقدس را سرزمین اجدادی خود می‌دانند و آن را از زمان خرابی در سال ۷۰ بعد از میلاد و اشغال در ۱۳۶ بعد از میلاد زیارت می‌کنند.



تخریب کلیسای مقبره مقدس توسط خلیفه فاطمی حاکم بأمراالله در سال ۱۰۰۹ عامل دیگری بود که در تغییر نگاه غرب به شرق تاثیر داشت. جانشین او در سال ۱۰۳۹ مبالغ هنگفتی از امپراتوری روم شرقی دریافت کرد تا به آنها اجازه ساخت دوباره کلیسا را بدهد. [پس از بازسازی کلیسا زائران مسیحی دوباره اجازه ورود به سرزمین‌های مقدس را یافتند. سرانجام مسلمانان دریافتند که ثروت بیت‌المقدس به خاطر درآمد حاصل از زیارت است و در نتیجه از آزار زائران مسیحی دست‌کشیدند. با این‌حال خشونت سلجوقیان یکی از دلایل حمایت از شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی در جهان مسیحیت شد.

اوضاع اروپای غربی

سرچشمه‌های اصلی جنگ‌های صلیبی در اوضاع اروپای غربی و ضعف امپراتوری روم شرقی در برخورد با موج جدید حملات ترکان مسلمان سلجوقی نهفته است. در سال ۱۰۶۳ پاپ الکساندر دوم مبارزان مسیحی را که در اندلس بر علیه مسلمانان کشته می‌شدند را مورد آمرزش خود قرار داد. در نتیجه در میان مردم برای درخواست‌های جنگ توسط امپراتوری روم شرقی که از جانب سلجوقیان تهدید می‌شدند آمادگی ذهنی وجود داشت. در سال ۱۰۷۴ امپراتور میخائیل هفتم از پاپ گرگوری هفتم و در سال ۱۰۹۵ امپراتور آلکسیوس یکم از پاپ اوربان دوم درخواست کمک در قبال حملات مسلمانان کردند. همچنین جنگ‌های صلیبی مجرای فوران پارسایی شدیدی بود که در اواخر قرن ۱۱ در میان عامه مردم گسترش یافته بود. یک سرباز صلیبی پس از سوگند رسمی، یک صلیب از پاپ یا نماینده رسمی او دریافت می‌کرد و سرباز رسمی کلیسا محسوب می‌شد. این نکته تا حدی به خاطر کشمکش بین کلیسا و حکمرانان بود که از سال ۱۰۷۵ آغاز شده بود و در حین جنگ صلیبی اول نیز جریان داشت. هر دو گروه تلاش می‌کردند تا نظر مردم را به نفع خود سوق دهند و در نتیجه یک سری جنگ‌های خانمان‌سوز ایجاد شد. نتیجه این کشمکش آگاهی قشر مذهبی مسیحی و مشارکت بیشتر در امور مذهبی بود که با تبلیغات مذهبی شدت می‌یافت و پشتیبان جنگ برای بازپس‌گیری سرزمین‌های مقدس از مسلمانان بود. مسیحیان خداترسی که گناهی مرتکب شده بودند شرکت

در جنگ‌های صلیبی و آمرزیده‌شدن گناهان را راهی برای فرار از جاودانه شدن در جهنم می‌دیدند. اینکه چه اعمالی سبب بخشیده‌شدن گناهان می‌شود و آیا کشته‌شدن لازم است از بحث‌های داغ در زمان جنگ‌های صلیبی بود. براساس سخنرانی‌های پاپ اوربان دوم آمرزش فقط نصیب کسانی می‌شد که در جنگ برای بازپس‌گیری بیت‌المقدس کشته می‌شدند و اگر لشکر صلیبی موفق بازمی‌گشت دیگر آمرزشی اعطا نمی‌شد. سقوط آندلس

نقشه شبه جزیره ایبری در زمان سلسله مرابطان در قرن ۱۱. دولت‌های مسیحی مشخص شده در نقشه عبارتند از: Portugal, Aragón, Castile, Leon, Navarre نوشتار اصلی: سقوط آندلس

در سال ۱۰۹۵ زمانی که مسیحیان اروپایی به آغاز جنگ‌های صلیبی تشویق می‌شدند، شاهزادگان اروپایی به مدت یک قرن با موفقیت‌های روزافزون در حال جنگ با مسلمانان در شبه جزیره ایبری و بیرون راندن آنان بودند. برتری پادشاهی لئون بر موروها در نبرد تولدو در سال ۱۰۸۵ اتفاق مهمی بود که در این دوران افتاد؛ هرچند سقوط آندلس در سال‌های آینده به وقوع پیوست. جدایی و تفرقه بین امیران مسلمان دلیل اصلی این شکست‌ها بود. بااینکه تسخیر اندلس بزرگترین واکنش اروپاییان به فتوحات مسلمانان بود اما واکنش‌های دیگری نیز وجود داشت. در سال ۱۰۵۷ ماجراجوی نرم رابرت گیسکارد کالابریا را که زمانی جزء قلمرو روم شرقی بود را فتح کرد و در مقابل مسلمانان سیسیل از آن دفاع می‌کرد. دولت‌های دریایی پیزا، جنوا، و کاتالونیا با پایگاه‌های مسلمانان در مایورکا در جنگ بودند و سواحل ایتالیا و کاتالونیا را از دست مسلمانان آزاد می‌کردند. با توجه به این موفقیت‌ها مسیحیان به یاد سرزمین‌های قدیمی‌شان می‌افتادند. مسلمانان سرزمین‌های مسیحی‌نشین سوریه، لبنان، فلسطین، و مصر را فتح کرده‌بودند و در میان مسیحیان انگیزه بسیاری برای استجاب دعوت امپراتور روم شرقی آلكسیوس یکم برای بازپس‌گیری این سرزمین‌ها ایجاد شده‌بود.

مکتب فقط جنگ

در طول مدت پاپی، پاپ گرگوری هفتم به شدت درگیر قبولادن این نکته بود که از نظر دینی می‌توان در راه خدا خون مردم را ریخت. برای پاپ مهم بود که زائران مسیحی به سرزمین‌های مقدس مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند. قدیس آگوستین، الگوی فکری پاپ گرگوری، در کتاب «شهر خدا» استفاده از زور را برای خدمت به خدا تشریح کرده‌بود و گرگوری که خود را رهبر اروپا می‌دید دیدگاه مسیحی «فقط جنگ» را در جهت افزایش قدرت خود می‌دید. دولت‌های شمال اروپا وابسته به رم می‌شدند و شوالیه‌های دردرساز آنان مشغول جنگ می‌شدند، کاری که برای آن مناسب بودند. تلاش‌های قبلی کلیسا برای ایجاد چنین خشونت با استفاده از مفهوم «صلح خدا» آنطور که انتظار می‌رفت نتیجه نداده‌بود. در جنوب رم، نرم‌ها با انرژی بسیار با عرب‌ها در سیسیل و با امپراتوری روم شرقی می‌جنگیدند. تسلط لاتین‌ها (در مقابل روم شرقی یونانی زبان) بر شام می‌توانست ادعای پاپ بر برتری بر اسقف اعظم قسطنطنیه را پشتیبانی کند، ادعایی که منجر به جدایی شرق و غرب در سال ۱۰۵۴ شده بود. پاپ برای رسیدن به این هدف خود به نیروهای نظامی فرانک احتیاج داشت.

ضعف امپراتوری بیزانس

در سال ۱۰۷۱ آلپ ارسلان سلطان سلجوقی در نبرد ملازگرد به طرز فاجعه‌باری سپاه روم شرقی را به فرماندهی

امپراتور رومانوس چهارم شکست داد که در نتیجه آن روم شرقی بسیار ضعیف شد و قلمرو آن در آسیا به نواحی غربی آناتولی اطراف قسطنطنیه کاهش یافت. بعدها در زمان ملک‌شاه مسلمانان توانستند دمشق، بیت‌المقدس و برخی نواحی دیگر در شام را تصرف کنند. یکی از نشانه‌های آشفتگی روم شرقی پس از این جنگ‌ها درخواست کمک آلکسیوس یکم از دشمنش پاپ بود. ولی گرگوری درگیر کشمکش‌ها بین پاپ و پادشاهان اروپایی بود و نمی‌توانست از امپراتور آلمان درخواست جنگ کند. در نتیجه جنگ صلیبی‌ای به وقوع نپیوست.

در نظر پاپ اوربان دوم -جانشین پاپ گرگوری- یک جنگ صلیبی می‌توانست پادشاهان مسیحی را با هم متحد، مقام پاپی او را تقویت کند و احتمالاً مناطق شرقی را تحت تسلط او درآورد. آلمانی‌ها و نورمن‌های ناراضی را نباید عامل اصلی شروع جنگ‌های صلیبی دانست؛ بلکه عامل اصلی را باید در افکار پاپ اوربان دوم جستجو کرد.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «جنگ‌های صلیبی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1266/pdf/crusades-جنگ-های-صلیبی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۲ خرداد ۱۳۹۲